

کد رهگیری ثبت پروپوزال: ۱۰۴۶۷۸۷

کد رهگیری ثبت پایان نامه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه امتیازهای این پایان‌نامه به دانشگاه بوعلی سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه بوعلی سینا یا استاد راهنمای پایان‌نامه و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. درج آدرس‌های ذیل در کلیه مقالات خارجی و داخلی مستخرج از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها الزامی می‌باشد.

....., Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

مقالات خارجی

..... گروه دانشکده، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

مقالات داخلی



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

ایجاز در شعر حافظ

استاد راهنما:

دکتر محمد آهی

استاد مشاور:

دکتر محمد طاهری

نگارش:

لیلا احمدی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	۱-۱- مقدمه
۳	۲-۱- بیان مسئله
۴	۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش
۴	۴-۱- اهداف پژوهش
۵	۵-۱- روش تحقیق
۹	۱-۲- حافظ در یک نگاه
۱۰	کلام و شعر حافظ
۱۳	۲-۲- علوم بلاغی
۱۳	درآمد
۱۳	علوم بلاغی و فایده ی آنها
۱۵	۳-۲- فصاحت
۱۵	تعریف فصاحت
۱۶	الف : فصاحت کلمه
۱۷	ب- فصاحت کلام
۱۹	ج- فصاحت متکلم
۲۰	۴-۲- بلاغت
۲۰	- تعریف علم بلاغت
۲۱	- بلاغت بعد از فصاحت
۲۱	- رابطه ی فصاحت و بلاغت
۲۲	۵-۲- فنون بلاغت
۲۲	فن اول : تعریف علم معانی
۲۲	- موضوع علم معانی
۲۳	- فایده ی علم معانی

۲۴	مباحث علم معانی
۲۴	فن دوم : علم بیان
۲۵	موضوع علم بیان
۲۵	ربط معانی با بیان
۲۶	فن سوم : علم بدیع (سخن آرای)
۲۶	۲-۶- ایجاز و انواع آن
۲۶	درآمد
۲۹	۱- ایجاز حذف
۲۹	موارد ایجاز حذف
۳۲	حذف مسند
۳۳	حذف رابطه
۳۳	حذف اجزاء جمله
۳۴	۲- ایجاز قصر
۳۵	موارد ایجاز قصر
۳۵	شبه جمله
۳۵	اقسام شبه جمله
۳۸	۳- ایجاز منخل
۴۳	۱- ایجاز تشبیهی
۴۵	۲- ایجاز استعاری
۴۵	۳- ایجاز اصطلاحی
۵۰	۴- ایجاز تلمیحی
۵۱	۵- ایجاز کنایی
۵۳	۶- ایجاز مجاز
۵۴	۷- ایجاز ایهام
۵۴	۸- ایجاز عامیانه یا محاوره ای
۵۸	۳-۱- درآمد
۵۸	۳-۲- تبیین نمونه های کاربرد انواع ایجاز در شعر حافظ
۱۱۷	۴-۱- نتیجه گیری

۱۱۹..... ۲-۴- پیشنهادها

۱۲۰..... منابع



دانشگاه بوعلی سینا
مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی

عنوان:

ایجاز در شعر حافظ

نام نویسنده: لیلا احمدی

نام استاد راهنما: دکتر محمد آهی

نام استاد مشاور: دکتر محمد طاهری

گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

گرایش تحصیلی: -

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی

تعداد صفحات: ۱۲۱

تاریخ دفاع: ۱۳۹۱/۱۲/۲۱

تاریخ تصویب پروپوزال: ۱۳۹۱/۱/۲۷

چکیده:

یکی از رازهای ماندگاری سخن به کارگیری انواع ایجاز است. ایجاز زیر مجموعه‌ی علم معانی است و کسی که از ایجاز در سخنش استفاده می‌کند به خوبی علم معانی، بیان و فصاحت و بلاغت را می‌شناسد چون لازمه‌ی سخن موجز این است که انسان فصیح و بلیغ باشد و نیز عیوب فصاحت و بلاغت را بشناسد و از آن عیوب که شامل تنافر حروف، کراهت در سمع، مخالفت با قیاس، غرابت استعمال، ضعف تألیف، تعقید لفظی و تعقید معنوی است؛ پرهیز کند. دانشمندان علم معانی و بیان، ایجاز را سه نوع می‌دانند: ایجاز حذف، ایجاز قصر، ایجاز مخمل. ایجاز حذف به دو قرینه است: قرینه‌ی معنوی و قرینه‌ی لفظی. حذف ارکان جمله، تشبیه، استعاره، شبه جمله، کنایه، اشاره، ایهام، مجاز، تلمیح، رمز، تعریض، تمثیل، ضرب المثل، اسطوره و نماد و تأویل از موارد ایجازند که به جز تشبیه و استعاره موارد اخیر از مواردی است که در این پژوهش بدان‌ها دست یافتیم. این موارد ایجاز در کتب بلاغی ذکر نشده‌اند. حافظ از جمله شاعرانی است که به زبان موجز سخن گفته و این زبان موجز را از قرآنی که در سینه دارد تأسی گرفته است. انواع ایجازهایی که حافظ به کار گرفته ایجاز قصر، ایجاز حذف، ایجاز استعاری، ایجاز تشبیهی، ایجاز کنایی، ایجاز تلمیحی، ایجاز اصطلاحی (واژگانی)، ایجاز مجاز و ایجاز ایهام است. بیشترین تعداد ایجازهای او شامل ایجاز قصر و ایجاز حذف به قرینه‌ی معنوی و ایجاز تلمیحی و ایجاز کنایی و اصطلاحی است. به طوری که می‌توان گفت ایجاز قصر در اشعار او ده برابر ایجاز حذف است و ایجاز مخمل اصلاً ندارد یا به گونه‌ای است که نمی‌توان اسم مخمل بر آن نهاد. حافظ در به کارگیری ایجاز شگرد خاص خود را دارد و آن را باموارد مختلف چون رمز، تلمیح و اشاره، تشبیه و استعاره، کنایه و تمثیل می‌آمیزد. حافظ نوعی ایجاز هم دارد و آن ایجاز واژگانی یا اصطلاحی است که واژه‌هایی چون زاهد، رند، پیر مغان، میخانه و ... را در مفاهیم و مقاصد خاصی استفاده می‌کند.

واژه‌های کلیدی: علم معانی، بلاغت، فصاحت، حافظ، ایجاز، شعر

فصل اول

طرح پژوهش

۱-۱- مقدمه:

یکی از دلایل مؤثر بودن سخن، این است که موجز باشد و برای اینکه کلامی مؤثر باشد باید به مقتضای حال مخاطب و مناسب با اوضاع و احوال و درخور موضوع بحث بیان شود، توجه به این مسائل می‌تواند به انسان کمک کند تا کلام ماندگار و مؤثر از خود باقی گذارد و خواجه‌ی شیراز به خوبی به این مسئله واقف بوده، چون یکی از کسانی است که سخنش چون بنایی ماندگار و مستحکم است.

هر منتقد و هر جویای دانش به شیوه‌ی خود و با ابزارها و معیارهای متفاوت بدان بنای زیبا راه یافته و بسته به دانش و ابزاری که بر می‌گزیند؛ چشم اندازه‌های متفاوتی از آن عرضه می‌کند. اما نیاز انسان به دانستن، او را به این کار و می‌دارد که با تک تک مصالح سازنده‌ی این اثر شگفت آشنا شود. این که خواجه‌ی بزرگ این مصالح را چگونه به کار برده و از هر یک در کجا سود جسته است.

یکی از این مصالح که در زیبایی و شیرینی این اثر سهم عمده‌ای داشته مقوله‌ی ایجاز است که حافظ بزرگوار آن را به خوبی به کار گرفته و با استفاده از انواع ایجاز سخنی بس زیبا ارائه داده است. ایجازی که در حد اعجاز است و دارای سبک و شگردی ویژه و خاص خود خواجه است که با گذشت سالهای سال هنوز کلامش قابل فهم و تازه و مؤثر است؛ به طوری که انسان فکر می‌کند اشعار حافظ برای انسان امروزی سروده شده است و کلام او چون لباسی است که گویا بر قد و قامت هر فردی با هر شخصیت و مقام اجتماعی سازگار است و هر کسی از ظن خود خواجه را یار خود می‌انگارد. و اینها همه به دلیل سخنان موجز و مؤثر اوست.

۱-۲- بیان مسئله:

بلاغت: بلاغت در کلام یعنی این که کلام دلنشین و مؤثر و رسا و به اصطلاح وافی به مقصود باشد و همچنین بلیغ کسی است که بتواند مافی الضمیر خود را به نیکویی بیان کند. بدیهی است که کلام معمولاً

وقتی بلیغ خواهد بود که به مقتضای حال مخاطب ایراد شود.

ایجاز: ارائه‌ی کلامی است که الفاظش نسبت به محتوای آن کمتر باشد. به تعبیر دیگر، هر گاه حجم لفظ نسبت به معنایی که افاده می‌کند کمتر باشد آن لفظ را موجز وادای آن را ایجازگویی نامند. این که معانی بسیار در عبارت اندک گنجانده شود ایجاز است که در شعر حافظ این شیوه با هنرمندی و شگرد شاعرانه بیان شده است. این هنر بزرگ را حافظ از قرآن تأسی گرفته است که سعی می‌کند عباراتی کوتاه را با معانی وسیع و عمیق و با مهارت شاعرانه بیان کند.

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش:

با خواندن اشعار حافظ متوجه می‌شویم که بسیاری از اشعار او مختصر و در عین حال مفید معنایند و مصداق بارز این سخن معروف «کم گوی و گزیده گوی» می‌باشد. از آنجا که سخن مختصر، مفید و موجز بیشتر به دل می‌نشیند پس شعر و سخن حافظ نیز به دلیل ایجازی که داراست به دل می‌نشیند و نیز تأثیرگذار است.

یکی دیگر از خصوصیات ایجاز ماندگاری آن است و سخن حافظ چون موجز است ماندگار شده است. شاخصه‌ی دیگر کلام موجز این است که به مقتضای حال مخاطب بیان شود و خواننده با خواندن آن، مطالب را در خود تداعی کند. شاید به این دلیل است که با شعر حافظ فال می‌گیریم چون سخن حافظ گویای حرف دل است. مطالعه و تشخیص اشعار موجز حافظ و این که اصلاً چرا حافظ معانی بسیار را در الفاظ اندک گنجانده در حالی که هیچ خللی در مفهوم وارد نشده کاری است بس شیرین. همان طور که می‌دانیم کلامی که کوتاه و رسا است دلنشین‌تر و رساتر از کلامی است که دارای اطناب است.

۱-۴- اهداف پژوهش:

هدف در این تحقیق نشان دادن چگونگی و میزان کاربرد ایجاز در شعر حافظ و تبیین دلایل ایجاز در

شعر او و این که کدام نوع ایجاز را بیشتر استفاده کرده است.

۱-۵- روش تحقیق:

این پژوهش به روش توصیفی، تحلیلی است و مراحل انجام آن به شرح زیر می‌باشد:

- ۱ - شناسایی کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با موضوع
- ۲ - مطالعه و یادداشت برداری از منابع
- ۳ - بررسی یادداشت‌ها و استخراج اصطلاحات مرتبط با موضوع
- ۴ - نتیجه گیری

فصل دوم

کلیات پژوهش

۲-۱- حافظ در یک نگاه

خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی یکی از بزرگترین شاعران نغزگوی ایران و از اعظام گویندگان جهان و از "اکابر گردنکشان نظم" فارسی است.

ولادت حافظ در اوایل قرن هشتم هجری در شیراز اتفاق افتاد و او به سال کوچکتز از برادران خود بود.

تذکره نویسان نوشته‌اند که اجداد او اصلاً از کوپای (کوهپایه) اصفهان بوده‌اند و نیای او در ایام حکومت اتابکان سلغری از آنجا به شیراز آمد و در همان شهر متوطن شد و نیز چنین نوشته‌اند که پدرش «بهاءالدین محمد» بازرگانی می‌کرد و مادرش از اهل کازرون و خانه‌ی ایشان در «دروازه‌ی کازرون شیراز» واقع بود. بعد از مرگ بهاءالدین پسران او پراکنده شدند و شمس الدین محمد که خردسال بود با مادر در شیراز ماند و روزگار آن دو به تهیدستی می‌گذشت. به همین سبب حافظ همین که به مرحله‌ی تمییز رسید در نانوائی محله به خمیرگیری مشغول شد. سپس عشق به تحصیل کمالات او را به مکتب خانه کشانید و به تفصیلی که در تذکره‌ی میخانه آمده است وی چندگاهی ایام را بین کسب معاش و آموختن سواد می‌گذرانید.

سپس حافظ در جرگه‌ی طالبان علم درآمد و در دو رشته از دانش‌های زمان یعنی علم شرعی و علوم ادبی کار می‌کرد و چون استاد او قوام الدین عالم به قرآات سبع بود شاگرد هوشمندش در خدمت او به همین درس اشتغال داشت و در حفظ قرآن با توجه به قرآات چهارده گانه (از شواظ و غیرآن) ممارست می‌کرد و خود در اشعار خویش چندین بار بدان اشاره نموده است و بنابر تصریح صاحبان تراجم اتخاذ تخلص «حافظ» نیز از همین اشتغال نشأت گرفته است.

مطالعه‌ی مختصری در کتب مربوط به تاریخ شیراز از قبیل شد الازار جنیدی و شیرازنامه‌ی ابن ابی الخیر زرکوب، و نیز مطالعه‌ی در احوال پادشاهان آل سلغروامرای که بعد از زوال دولت ایلخای بر فارس حکومت داشتند (مانند آل اینجو و آل مظفر) این حقیقت را بر ما ثابت می‌کند. حافظ در چنین محیطی که هنوز مجمع عالمان و ادیبان و عارفان و شاعران بزرگ بود، تربیت علمی و ادبی می‌یافت و با

ذکاوت ذاتی و استعداد فطری و تیزبینی شگفت‌انگیزی که داشت میراث خوار نهضت علمی و فکری خاصی می‌شد که پیش از او در فارسی فراهم آمد و اندکی بعد از او به فترت گرایید. (صفا، ۱۳۶۶: ۱۰۶۴)

کلام و شعر حافظ

کلام حافظ در همه‌ی موارد منتخب و برگزیده و مزین به انواع تزیینات مطبوع و مقرون به ذوق و شامل کلماتی است که هر یک به حساب دقیق انتخاب و به جای خود گذارده شده و پیش و پس کردن آنها مایه‌ی تباهی کلام خواهد شد و با این تفصیل سخن حافظ حاوی همه‌ی شرایطی است که در کلام مولوی و سعدی و امیر خسرو دهلوی و سلمان و خواجه و هم عصران این دو شاعر اخیرالذکر ملاحظه می‌کنیم، به اضافه‌ی نحوه‌ی خاص تفکر او. (همان: ۱۰۷۳)

حافظ در غزل پردازی از خواجه بسیار تأثیر پذیرفته است و نه تنها کار خود را در این مورد به استقبال و نظیره گویی مختصر نساخته بلکه در بسیاری از موارد کلمات و مصراعها و بیت‌های خواجه را نیز به وام گرفته و با اندک تغییر در غزل‌های خود آورده است مثلاً خواجه گفته است:

گر شدیم از باده بدنام جهان تدبیر چیست این چنین رفتست از روز ازل تقدیر ما
و حافظ گوید:

در خرابات مغان ما نیز همدستان شویم کاین چنین رفتست از روز ازل تقدیر ما
از اختصاصات شعر حافظ آن است که او معانی دقیق عرفانی و حکمی و حاصل تخیلات لطیف و تفکرات دقیق خود را در موجزترین کلام و در همان حال در روشن‌ترین و صحیح‌ترین آنها بیان کرده است به عبارت دیگر او در هر بیت و گاه در هر مصراع‌ی نکته‌ی دقیق دارد که از آن به «مضمون» تعبیر می‌کنیم. این شیوه‌ی سخنوری البته در شعر فارسی تازه نبود ولی حافظ تکمیل‌کننده و در آورنده‌ی آن به پسندیده‌ترین وجه و مطبوع‌ترین صورت است، و موفقیتی که در این راه برای او حاصل گردید باعث شد که بعد از او شاعران در پیروی از شیوه‌ی او در آفرینش «نکته‌ها»ی دقیق و ایراد «مضامین» باریک و گنجاندن آنها در موجزترین عبارات، که از یک بیت و گاه از یک مصراع تجاوز نکنند، مبالغه

نمایند و همین شیوه است که رفته رفته به شیوع سبک معروف به «هندی» منجر گردید.

نکته‌ی دیگری که ذکر آن در بیان اختصاصات شعر حافظ لازم است، توجه خاص اوست به ایراد صنایع مختلف لفظی و معنوی در ادبیات خود و این توجه به حدیست که کمتر بیت از ابیات حافظ را می‌توان خالی از نقش و نگار صنایع یافت، منتهی وی به حدی در سخن نیرومند و در استخدام الفاظ توانا و در به کار بردن صنعتها چیره دست است که «صنعت» در «سهولت» سخن او، اثری ندارد. (همان ۱۰۷۹)

آری حافظ شاعر به معنای نظم آرای قافیه سنج که در طول تاریخ ادبیات دیرساله‌ی ایران نمونه‌های فراوان دارد، نیست. حافظ حکیمی متفکر و تفکر انگیز است، فرزانه‌ای است دارای اندیشه‌های عمیق حکمی و عرفانی و احساس‌ها و عواطف ژرف انسانی.

حافظ حافظه‌ی ماست و در ذهن و زبان همه‌ی فارسی زبانان تا همیشه‌ای که زبان فارسی و فرهنگ اسلامی ایرانی پایدار است حضور دارد. (خرمشاهی، ۱۳۶۱: ۱)

شعر حافظ مقوله‌ای یک وجهی و کلیشه‌ای نیست و غالباً تعبیرها و تفسیرهای متعددی می‌پذیرد. اثری چند لایه است و تفسیرپذیر که بسته به شیوه‌ی نقد، می‌توان برداشت‌های متنوع و گاه متفاوتی از آن عرضه کرد. گویا سخن حافظ اعجاز خاصی دارد چون به قول خودمان با احوال و شرایط هر کسی موافق است شاید به همین دلیل است که با اشعار حافظ فال می‌گیریم و هر کسی در هر شرایطی آن را با مقتضای حال خود موافق می‌بیند.

حافظ چنان که از مستقیم‌ترین و معتبرترین سند - یعنی دیوانش - برمی‌آید در دانش‌های گوناگون زمان خود که در دارالعلم شیراز رایج بوده دست داشته است. مقام او در قرآن شناسی شامخ است. حافظ در علم کلام نیز مهارت داشته است. تلمیحات کلامی از جمله در مسائلی چون جبر و اختیار و نظریه‌ی کسب و معاد اندیشی جزو مهمترین مضامین و معانی شعر اوست (خرمشاهی، ۱۳۷۳: ۲۸)

دانش ادبی حافظ نیز جای خود دارد. کمتر هنرمندی قواعد و مباحث پیچاپیچ و غالباً تصنعی بلاغی بدیعی را این قدر طبیعی و نامحسوس و شیرین و شیوا در شعر خود خرج کرده است. حافظ دستورالعمل عبدالقاهر جرجانی و سکاکی و تفتازانی را به کار نمی‌بندد تا فصاحت بیاموزد، به طبع فصیح

است و فصاحت آفرین. آثار بلاغت نویسان سر مشق او نیست، آثار او سر مشق بلاغت نویسان است. (خرمشاهی، ۱۳۷۳: ۳۲)

حافظ به بیان ملیح محاوره اعتنای تام و تمام دارد. ترکیبات محاوره‌ای در شعر حافظ موج می‌زند. فی المثل: «که مپرس»، «بهتر از این»، «یعنی چه» و «غم مخور» و «چه شد» را ردیف غزل قرار می‌دهد. یا تعبیری چون «جان من و جان شما»، «قربان شما» و دهها امثال آن را از محاوره می‌گیرد و در ساختمان نازک آرای غزل بلورینش درج می‌کند.

یکی دیگر از اضلاع مهم سخنوری حافظ همانا سلامت نحو جملات در شعر اوست. جملات او تا آنجا که مقدور است، از جای خود جابه‌جا نمی‌شود. برای کسی چون حافظ که به عروض تسلط دارد، عروض نه تنها دست و پاگیر نیست بلکه پر پرواز است. این است که حافظ شأن دستوری اجزاء و ارکان جمله را به راحتی و درستی رعایت می‌کند:

سالها پیروی مذهب رندان کردم تا به فتوای خرد حرص به زندان کردم
(همان: ۳۳)

۲-۲- علوم بلاغی

درآمد

در تعریف علم معانی گفته می‌شود که این علم به معانی ثانوی جمله‌ها می‌پردازد تا درجه‌ی تأثیر آنها را در شنوندگان مشخص کند. به این تأثیر کلام، اصطلاحاً «بلاغت» گفته می‌شود. از طرف دیگر، سخنی موثر واقع می‌شود که واضح و درست و بی‌عیب باشد. این وضوح را نیز اصطلاحاً «فصاحت» می‌گویند. بنابراین از آن جا که فصاحت و بلاغت مقدمه‌ی مباحث علم معانی هستند، در کتابهای معانی، ابتدا این دو بحث مطرح می‌شوند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۰) ما نیز در اینجا اشاره‌ی مختصری به این دو اصطلاح خواهیم داشت.

علوم بلاغی و فایده‌ی آنها

معمولاً ادبا به سه علم معانی، بیان و بدیع علوم بلاغی گویند و کلام بلیغ آن است که علاوه بر دارا بودن شروط فصاحت، به مقتضای حال و مناسبت مقام باشد. هدف از علوم بلاغی در آغاز، فهم و درک رموز اعجاز قرآن و اسرار فصاحت و بلاغت آن بوده است؛ ولی بعدها این علوم، بیشتر در شناخت کلام عالی از دانی و جلوگیری از فساد ذوق و انحراف طبع شعرا و نویسندگان به کار گرفته شد. زمخشری (متوفای ۵۳۸ هجری) در مقدمه‌ی تفسیر کشاف خویش درباره‌ی اهمیت دو علم معانی و بیان می‌نویسد:

"...عالم علم کلام اگر در صناعات کلام بر همه‌ی اهل دنیا چیره شود و حافظ قصص و مسائل تاریخی حتی اگر از ابن القریه حافظ تر باشد... و دانشمند نحو دان اگر در علم نحو از سیبویه دانتر باشد... هیچ یک نمی‌توانند به کنه آیات قرآنی پی ببرند، مگر اینکه در دو علمی که مختص به قرآن است تبحر پیدا کنند، و آن دو علم معانی و بیان است. مثلاً در آیه‌ی:

"هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر متشابهات" چنانچه ندانیم از